

ایران در جنگ جهانی دوم چگونه اشغال شد؟

۷ شهریور ۱۳۹۳ ساعت ۱۳:۵۸

این حادثه در کشاکش جنگ دوم جهانی رخ داد و این حمله حاصل سومین تباری ارتش سرخ شوروی و نیروهای بریتانیا بود که به زیان حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران شکل می گرفت. قرن نوزدهم در پایان جنگ های طولانی روسیه با ایران، تباری این کشور با بریتانیا علیه ناپلئون در اروپا، سبب حمایت بریتانیا از انعقاد پیمان های گلستان و ترکمانچای و تحمیل آن بر ایران شد.

یکی از حساس ترین مقاطع تاریخی ایران شهریور ماه ۱۳۲۰ و اشغال ایران توسط ارتش متفقین بود.

در روز ۳ شهریور ۱۳۲۰، ایران به اشغال نیروهای نظامی روس و انگلیس درآمد.

پس از آغاز جنگ جهانی دوم در ۹ شهریور ۱۳۱۸ برابر با اول سپتامبر ۱۹۳۹، ایران بی طرفی خود را اعلام کرد، اما به دلیل گستردگی مرز ایران با اتحاد جماهیر شوروی و درگیری با آلمان این بی طرفی ناپایدار بود. اینچنین بود که در روز ۳ شهریور ۱۳۲۰ ارتش متفقین به بهانه حضور جاسوسان آلمانی وارد خاک ایران شد. نیروهای شوروی از شمال و شرق و نیروهای بریتانیایی از جنوب و غرب، از زمین و هوا به ایران حمله کردند و شهرهای سر راه را اشغال کردند و به سمت تهران آمدند. ارتش ایران به سرعت متلاشی شد. رضاشاه ناچار به استعفا شد و متفقین با انتقال سلطنت به پسر و ولیعهد او، محمدرضا موافقت کردند.

این حادثه در کشاکش جنگ دوم جهانی رخ داد و این حمله حاصل سومین تباری ارتش سرخ شوروی و نیروهای بریتانیا بود که به زیان حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران شکل می گرفت. قرن نوزدهم در پایان جنگ های طولانی روسیه با ایران، تباری این کشور با بریتانیا علیه ناپلئون در اروپا، سبب حمایت بریتانیا از انعقاد پیمان های گلستان و ترکمانچای و تحمیل آن بر ایران شد. اوایل قرن بیستم نیز پیمان های ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ سبب تقسیم ایران به حوزه نفوذ دو کشور انگلیس و روسیه و زمینه ساز حضور نظامی آنان در ایران شد. سومین بار در جنگ دوم جهانی بود که بهانه حضور کارشناسان آلمانی در ایران، اشغال ایران را در پی داشت.

لحظات اولیه حمله، یعنی درست در ساعت چهار بامداد سوم شهریور، اسمیرنوف سفیر کبیر شوروی و سر ریدر بولارد وزیر مختار بریتانیا در منزل رجبعلی منصور، نخست وزیر وقت حضور یافته و طی یادداشتی حمله قوای خود را به کشور ابلاغ کردند. منصور متعاقباً به همراه جواد عامری، کفیل وزارت امور خارجه، به کاخ سعدآباد رفت و رضاشاه را مطلع کرد و سپس راهی مجلس شورای

ملی شد و گزارش حمله نظامی روسیه و بریتانیا را به اطلاع نمایندگان مجلس رساند.

نمایندگان روس و انگلیس، علت این مداخله را وجود تعداد زیادی کارشناس آلمانی در ایران ذکر کردند که به عقیده آنان مشغول جاسوسی بودند. دخالت نظامی شوروی و انگلستان در ایران متعاقب دو اولتیماتوم مشترک روس و انگلیس در ۲۸ تیر و ۲۵ مرداد ۱۳۲۰ راجع به حضور کارشناسان آلمانی به وقوع پیوست. این حمله همچنین به فاصله سه هفته قبل از تبعید رضاشاه به خارج از کشور رخ داد. شهرهای بی دفاع شمال و جنوب کشور در جریان حمله هماهنگ و مشترک روس و انگلیس، شدیداً بمباران شدند و نیروی دریایی ایران در خلیج فارس و دریای خزر ظرف چند ساعت مضمحل شد. فرمانده نیروی دریایی نیز در همان روز اول حمله کشته شد.

عصر روز سوم شهریور و درحالی که پیشروی قوای بریتانیا و روسیه در شمال و جنوب خاک ایران ادامه داشت، علی منصور با مشاهده بحرانی بودن اوضاع تصمیم به استعفا گرفت. دریافت خبرهای مربوط به متلاشی شدن لشکرهای تبریز، رضاییه، گیلان، اردبیل، مشهد و کرمانشاه سبب شد تا رضاشاه لشکرهای دو پادگان مرکزی را در اطراف تهران به حالت دفاعی مستقر سازد. در همین روز رضاشاه طی تلگرافی به روزولت، رئیس جمهوری وقت امریکا از وی خواست مانع پیشروی بریتانیا و روسیه در داخل ایران شود، اما دولت امریکا با صراحت این درخواست را رد و تأکید کرد که ایالات متحده، هدف بریتانیا را هدف خود می‌شمارد.

غروب سوم شهریور، رضاشاه که متعاقب دریافت پاسخ دولت امریکا، امیدی به توقف حملات بریتانیا و روسیه نداشت و از جبهه‌های جنگ دوم جهانی نیز اخبار مسرت‌بخش دریافت نمی‌کرد، سربازان احتیاط ۴ دوره شامل متولدین ۱۲۹۴ تا ۱۲۹۷ را به خدمت فراخواند. او در شامگاه همان روز، خبرهای مربوط به پیشروی قوای روس و انگلیس را به سوی تهران دریافت کرد.

روز ۵ شهریور رجبعلی منصور در جلسه فوق‌العاده هیات دولت که در حضور رضاشاه تشکیل شده بود، نومیدانه از مقام رئیس‌الوزاری استعفا داد و رضاشاه، مجید آهی وزیر دادگستری را مأمور تشکیل کابینه کرد، اما وی نیز از پذیرفتن این سمت امتناع ورزید و به ناچار مسئولیت نخست‌وزیری کشور به محمدعلی فروغی واگذار شد. فروغی در منزل خود با سفیران بریتانیا و روسیه راجع به ترک مخاصمه و توقف جنگ مذاکره کرد. در همین نشست فروغی از نیت انگلیس‌ها برای برکناری و تبعید رضاشاه باخبر شد. در نتیجه رضاشاه، همه اعضای خانواده‌اش به استثنای محمدرضا پهلوی ولیعهد را روانه اصفهان کرد و خود نیز تصمیم به استعفا را به اطلاع فروغی و اعضای کابینه‌اش رساند.

در آن روزها، شهرهای کشور و به ویژه تهران با کمبود نان و سایر ارزاق مورد نیاز مردم روبرو بود. کشوری که در جنگ جهانی دخالتی نداشت و بارها بی‌طرفی خود را به طرفین درگیری اعلام کرده بود، بیشترین صدمات جنگ را تحمل کرد. هزاران غیرنظامی زیر بمباران شهرهای مختلف جان باختند و خسارات بسیار سنگینی به تأسیسات اقتصادی کشور و اماکن زندگی مردم وارد آمد. کشور دچار قحطی شد و مردم از لحاظ نان و ارزاق به شدت در مضیقه قرار گرفتند.

اشغال ایران محدود به قوای بریتانیا و روسیه نبود. پس از ورود امریکا به جنگ، عده‌ای از نظامیان آن کشور نیز وارد ایران شدند، اما استقلال و تمامیت ارضی ایران، نخست با امضای یک پیمان سه جانبه بین ایران، انگلیس و شوروی در بهمن ۱۳۲۰ و سپس با صدور اعلامیه‌ای که در پایان کنفرانس سران متفقین، روزولت، چرچیل و استالین در تهران منتشر شد، تضمین گردید. در پایان این کنفرانس که در آبان همین سال در تهران تشکیل شد، طرفین تعهد کردند نیروهای نظامی خود را ظرف ۶ ماه از ایران خارج کنند.

دولت شوروی قبل از خاتمه جنگ درصدد به دست آوردن امتیاز استخراج نفت در دریای شمال برآمد، اما چون با تصویب قانون منع اعطای امتیاز نفت به خارجی‌ان در مجلس شورای ملی، از دریافت این امتیاز محروم شد، بنای مخالفت و ناسازگاری با دولت ایران را گذاشت و پس از خاتمه جنگ مقدمات شورش مسلحانه را در آذربایجان فراهم کرد. نیروهای شوروی از حرکت واحدهای اعزامی ارتش برای سرکوبی این شورش جلوگیری کرده و موجبات تسلط حزب دمکرات را بر آذربایجان و سپس کردستان فراهم کردند.

چندماه بعد نیروهای شوروی از تخلیه ایران در موعد مقرر خودداری کردند، اما پس از شکایت ایران به شورای امنیت و مسافرت قوام‌السلطنه، نخست‌وزیر وقت به مسکو که به امضای موافقتنامه‌ای درباره تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی منجر شد، در اردیبهشت ۱۳۲۵ نیروهای خود را از ایران خارج کردند. حکومت خودمختار حزب دمکرات در آذربایجان و کردستان نیز بیش از ۷ ماه پس از خروج نیروهای شوروی دوام نیاورد. موافقتنامه مربوط به تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی نیز سال بعد در مجلس رد شد.

منابع

چکیده تاریخ ایران، حسن نراقی

ایران در اشغال متفقین، صفاءالدین تبرائیان

اشغال ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

۱۳۰ سالگی تجدد محافظه‌کارانه، درباره زمانه و کارنامه سیاسی محمدعلی فروغی، باقر عاقلی

ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی، یرواند آبراهامیان، ترجمه کاظم فیروزمند

آدرس مطلب :

